هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
غلبهٔ نا امیدی برامید در بیانات رئیس جمهور
ص۲

روز حادثه
ص۲

حج، تجمع بزرگ مسلمانان
ص۷



دور ششم | سال ششم | شمارهٔ بیست و هفتم | شنبه ۲۷ عقرب ۱۳۸۶ | ۶ ذوالقعده ۱۴۲۸ - 16 November 2007

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و جبههٔ ملی افغانستان در همایش بزرگداشت از شهادت سید مصطفی کاظمی:

گرچه جای کاظمی در چندین عرصه خالی است اما یاران وهمسنگران وی راه او را ادامه می دهند



یکی از اصول عمده در نظام سیاسی اسلام محاسبه از خود و نقادی از خود و امر به معروف و نهی از منکر از دیگران است. به این اساس سید مصطفی کاظمی تا آخرین لحظات زندگی به عنوان یک ناقد دلسوز در قضایای ملی و بین المللی تماس می گرفت و دلسوزانه حقایق را بازگو می نمود بدون آن که هیچ نوع نیتی سوء در میان باشد

***

گاه گاهی می شنویم بعضی می گویند بحث و صحبت روی حادثهٔ بغلان یک استفادهٔ سیاسی است. من تعجب می کنم حتا برخی از حلقه های خارجی هم این صحبت را راه می اندازند، یعنی بگذارید که فاجعه ها تکرار شود و دهن ها بسته باشد و هر روز خدای ناخواسته شاهد چنین فاجعه هایی خونین باشیم، نه خیر، به عقیدهٔ من چنین صحبت هایی، در واقعیت خود یک بحث سیاسی یا یک استفادهٔ سیاسی است

روز جمعه ۲۵ عقرب به مناسبت شهادت سیدمصطفی کاظمی رهبرحزب اقتدارملی ورئیس کمیسیون اقتصاد شورای ملی و یارانش درکابل محفلی با شکوه برگزار شد.در این محفل که درحوزهٔ خاتم الانبیا برگزارشده بود جمعی کثیر از سوگواران کاظمی و یارانش، استاد برهان الدین ربانی رهبر جبههٔ ملی، محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان، استاد اکبری عضو ولسی جرگه و مصطفی ظاهر از بنیادگذاران جبههٔ متحد ملی، شماری از اعضای شورای ملی و برخی از اعضای کابینه و مأموران بلند پایهٔ دولت و چند هزار تن دیگر شرکت ورزیده بودند. **ادامه در ص۳**

سخنان تاریخی رئیس جمهور

بیان درد و نه درمان

ص۵

کمیسیون حقیقت یاب شورای ملی در بغلان

در فیصله ای که از سوی شورای ملی افغانستان به تصویب رسید به کمیسیون حقیقت یاب این شورا ماموریت داده شد تا برای بررسی حمله انتحاری ۱۵ عقرب به ولایت بغلان بروند .

این کمیسیون به ریاست حاجی فرید نمایندهٔ ولایت کاپیسا و سه نفر دیگر از اعضای شورای ملی به همراه تعدادی از کارشناسان و ورثهٔ شهدا به این ولایت فرستاده شدند.

حاجی فرید رییس کمیسیون حقیقت یاب شورای ملی در جمع خبرگاران گفت: دولت وشورای ملی افغانستان می خواهند با بررسی بیشتر عاملان اصلی این حملات را ردیابی کنند.

وی در ادامه افزود: قبلا هم از سوی ریاست جمهوری نیز کمیسیونی به سرپرستی وزیرداخله تشکیل شده بود ولی به دلیل مشکلاتی چون مراسم عزا داری و غیره این کمیسیون نتوانست کاری از پیش ببرد.

رییس کمیسیون حقیقت یاب شورای ملی در پاسخ به شایعاتی که حمله کنندگان انتحاری برای از بین بردن این کمیسیون در ولایت بغلان جا به جا شده اند اعلام کرد: ما حاضر هستیم در این راه جان خود را از دست بدهیم و هیچ وقت این شایعات نمی تواند ما را از این کار باز دارد.

این درحالی است که معین مرستیال نمایندهٔ ولایت قندز از جابه جا شدن تعدادی از انتحار کنندگان در این ولایت خبرداده و تاکید کرده است که این خبر ازسوی شبکه های خاص امینتی و اطلاعاتی به دست آمده است

حادثهٔ ۱۵ عقرب که منجر به کشته شدن سیدمصطفی کاظمی وپنج تن دیگر از اعضای شورای ملی شد تا کنون بحث هایی زیاد را برانگیخته وسؤالاتی زیاد را به دنبال کشیده است که اکثر بی جواب باقی مانده است وانتظارمی رود که بعداز بزرسی های دقیق چگونگی این حادثه مشخص شود.

تجاوز جنسی به زنان زندانی در زندان پلچرخی کابل و بررسی های تازه

هیتی از نمایندگان پارلمان هفتهٔ گذشته از زندان پلچرخی بازدید کرده ومدعی شدکه چند تن از زنان در زندان پلچرخی باردار شده اند. آنان شماری از مسؤولان زندان پلچرخی کابل را به تجاوز جنسی علیه زندانیان زن متهم کرده اند. هئیت پارلمانی می گوید در بررسی های خود در یافته اندکه شماری از مسؤولان زندان پلچرخی ابتدا به زندانیان داروهای بیهوش کننده می دهند و سپس به آنها تجاوز می کنند.

نمایندگان شورای ملی ضمن نگرانی از وضعیت زندان های کشور می گویند بیم آن می رود که رفتارهای مشابهی در زندان های ولایات نیز انجام شود.

فوزیه کوفی از نمایندگان مجلس و از اعضای هئیت شورای ملی که این قربانیان را از نزدیک دیده می گوید تجاوز جنسی در مواردی با اعمال فشار و زور نیز توأم بوده است.

خانم کوفی می گوید ترس از سنت های افغانی و همچنین ترس از مسؤولان زندان، شماری از این زندانیان را به سکوت واداشته است. از این رو دشوار است که تعداد دقیق قربانیان بدرفتاری های جنسی را مشخص کرد.

در همین حال مقامات وزارت عدلیه این ادعا ها را رد کرده اند. به گفته مسؤولان وزارت عدلیه بررسی های تازه یی را در مورد ادعای تجاوز جنسی به زندانیان زن در کابل آغاز کرده اند و به گفتهٔ آنان در این بررسی ها معاینات طبی نیز انجام خواهد شد.

عبدالقادر عدالتخواه، معین اداری وزارت عدلیه، دریک نشست خبری روزجمعه در کابل به خبرنگاران گفت که وزارت عدلیه افغانستان بعد از این ادعا، هئیتی را برای بررسی در مورد مسأله تجاوز جنسی به زنان زندانی در زندان پلچرخی فرستاده است که نتایج مقدماتی این بررسی ها نشان می دهد هیچ نوع بد رفتاری و تجاوز جنسی علیه زندانیان زن در **ادامه در ص۶**

ائتلاف بوتو و نواز شریف علیه مشرف

نگروپونته معاون وزیر خارجهٔ امریکا در یک مأموریت جدید در اسلام آباد





در کشمکش برای به دست گرفتن قدرت در پاکستان، این کشور شاهد تشکیل ائتلافی از دو نخست وزیر سابق پاکستان خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، نواز شریف، نخست وزیر سابق پاکستان در مصاحبه یی که با شبکه تلویزیونی Geo داشته است، نسبت به درخواست بی‌نظیر بوتو، نخست وزیر اسبق و رهبر حزب مخالف در پاکستان مبنی بر تشکیل ائتلافی علیه پرویز مشرف، واکنش مثبت نشان داده است.

بی‌نظیر بوتو روز گذشته برای اولین بار از پرویز مشرف خواست از ریاست جمهوری کناره‌گیری کند. بوتو اظهار داشته: ژنرال مشرف باید برود.

شریف در واکنش به اظهارات بوتو اظهار کرد: این یک تحول مثبت است.

وی سخنانش را از محل تبعیدگاهش از عربستان سعودی اظهار کرد. وی در ادامه گفت که او از ده سال گذشته نیز خواهان استعفای مشرف شده است **ادامه در ص۸**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل- بهارستان ـ جادهٔ معین الدین چشتی ـ کوچهٔ قصابی دست چپ ـ کوچهٔ پنجم ـ خانهٔ پنجم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

غلبهٔ نا امیدی بر امید

در بیانات رئیس جمهور

رئیس جمهورکشور در همایش نمایندگان شوراهای محلی وزارت انکشاف دهات، سخنان مهمی ایراد کرد که رادیو تلویزیون ملی و برخی از روزنامه ها آن را "سخنان تاریخی" خواندند.

در این شکی نیست که برنامهٔ همبستگی ملی و شوراهای محلی انکشاف دهات درکل مورد تأیید همگان است و از ثمرات آن میلیون ها انسان کشورما استفاده برده اند.

با این برنامه و پروژه های آن، حاکمیت دولتی در بیش از نود درصد دهات، ولسوالی ها و ولایت ها حضور یافت و نقش مردم در باروری پروژه ها با سهم گیری فعالانهٔ آنان به ملاحظه رسید.

هرچند از لحاظ کمبود افراد مسلکی، این پروژه ها به صورت ضعیف تطبیق شده و ما شاهد نقص های تطبیقی و نظارتی در این پروژه ها بوده ایم. تطبیق این پروژه به دولت امکان و مجال این را می داد که درکنار کار اقتصادی، حرکت سیاسی را نیز به راه بیندازد و هر دولت خواهان گسترش ساحهٔ نفوذ حاکمیت به سراسر قلمرو خویش است.

پروژه های همبستگی ملی می توانست در تأمین امنیت ... رات بد سزایی داشته باشد که به دلیل کم توجهی دولت، ... تاثیرات به ملاحظه نرسید.

...وزیع پراگندهٔ پول و عدم مراقبت از پروژه ها از ضعف ه... دیگر این برنامه است ولی در مجموع همان طوری که گ... ه ایم، این برنامه ها و پروژه ها دارای نقاط مثبت زیاد ا... ت و رئیس جمهور می توانست در این همایش از این فرصت به نفع خود و دولت خود استفاده نماید، امیدواری بدهد و از دست آوردهای دولت ـ که معمولاً در همه جا ـ آن را بیان می دارد، به آنان بگوید تا با امید و روحیهٔ قوی و باور به دولت به محلات شان برگردند ولی چنین نکرد و از ضعف دولت و زر اندوزی و تجمل پسندی اراکین دولت سخن گفت!

چرا چنین گفت و انگیزهٔ این پیام انتقادی و نا امیدی چه بوده است؟

آیا واکنشی در برابر انتقادات افراد و نهادهای بین المللی مبنی بر افزایش فساد و نا کارآمدی دولت بوده است؟

آیا جوابی برای انتقاد شدید جامعهٔ جهانی از کشت و تولید مواد مخدر بود؟

آیا می توان آن را پاسخی به سؤالات متعدد در مورد فاجعهٔ بغلان و عکس العمل شدید مخالفین دانست؟

دولت ضعیف، بی کفایت و بحران فساد اداری و در کنار آن ملت قوی چه معنی دارد؟!

آیا این پیام و غلبهٔ نا امیدی بر امیدها، تأثیر منفی بر تطبیق پروژه ها نخواهد داشت؟

همه می دانیم که مردم و شوراها باید از دولت حمایت کنند و بدون پشتیبانی آنان کاری از پیش نمی رود؛ آیا با این پیام که دولت ضعیف است و مبتلا به فساد؛ احساس و روحیهٔ کمک به دولت و جدیت در کار را تضعیف نمی کند؟

آیا این پیام به ضرر دولت نبود که دولت ضعیف است و بی کفایت و شایستگی حمایت را ندارد؟

روز حادثه

وحید مژده

فاجعهء پانزدهم عقرب در بغلان وحمله به کاروان وکلای ولسی جرگه که در اثر آن بیش از نود تن از هموطنان ما از جمله مصطفی کاظمی و پنج تن از همراهانش در آن جان باختند، گذشته از این که سراسر افغانستان را تکان داد و ملتی را داغدار ساخت، سؤال های زیادی را در مورد دست های پشت پرده در این واقعه به میان آورده است. بازار این شایعات به خصوص زمانی گرمتر شد که طالبان به سرعت در این مورد عکس العمل نشان دادند و اعلام نمودند که در این کار دست نداشته اند.

در جامعهء ما که مطرح شدن تئوری های مبتنی بر توطئه در چنین موارد بیشتر از توجه به حقایق کشش و جاذبه دارد، این واقعه هم موجب به میان آمدن یک سلسله پیشداوری ها گردید. در یکی از تلویزیون های شخصی، خبرنگار از محمود کرزی برادر حامد کرزی که یکی از سرمایه گذاران بزرگ در پروژهء سمنت غوری و معدن زغال سنگ کرکر در ولایت بغلان است پرسید که گفته می شود که در این قتل مافیای اقتصادی دست داشته است. این سؤال شاید به این دلیل مطرح می شود که مصطفی کاظمی به عنوان رئیس کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه، مخالف سپرده شدن معادن و کارخانه های بزرگ به بخش خصوصی بود و این کار را به ضرر مردم افغانستان می دانست. بنابراین آنهایی که این کار به ضررشان بود در این توطئه دست دارند.

شایعه یی دیگر این است که مصطفی کاظمی شخصیتی بود که در میان جامعهء تشیع به صورت روزافزون جایگاه وسیعتری را به خود اختصاص می داد و کسانی بودند که احساس می کردند که کاظمی به تدریج جای آنها را تنگ تر می کند این گونه اشخاص می توانند در این توطئه دست داشته باشند.

این گونه تئوری توطئه از این پشتوانه برخوردار است که چرا هنگام این حادثه از مسؤولان ولایت بغلان کسی با قربانیان همراه نبود.

سؤال دیگر هم در این میان مطرح است که آیا این کار به منظور انحراف اذهان از وقایع پاکستان و ایجاد نگرانی بیشتر در غرب از اوضاع افغانستان نیست تا توجه بیشتر به اهمیت پاکستان معطوف گردد و حکومت نظامی اعلام شده موجه به نظر آید؟

یک شایعهء دیگر این است که حزب اسلامی در ولایت بغلان دارای نفوذ است و در این کار باید این گروه را مقصر دانست. اینها همه شایعاتی بیش نیست اما اگر تحقیق در این حادثه به شکل شفاف و روشن صورت نگیرد، هرکدام از این احتمالات می تواند برای عده یی وسیله یی برای متهم ساختن رقبای سیاسی باشد و دولت را که از قبل نیز به قدر کافی کم رمق شده است بیشتر از پیش تضعیف نماید.

چرا کسی مسؤولیت این حمله را به عهده نگرفت؟

این که هیچ گروهی مسؤولیت این اقدام را به عهده نگرفته است نباید چنین تعبیر شود که باید نام گروه های تاکنون مطرح در نا امنی های کشور را که در گذشته مسؤولیت چنین اقدامات را به عهده می گرفتند، از فهرست مظنونین حذف کرد و مسؤولیت آنان در این ماجرا را کلا منتقی دانست.

از مواردی که جنگجویان مسؤولیت کاری را که انجام داده اند به عهده نمی گیرند موردی است که در انتخاب هدف اشتباه صورت می گیرد اما در صورتی که هدف مورد اصابت قرار گیرد، کشته شدن تعداد زیادی غیر نظامی موجب انکار آنان از عمل نمی شود. در حمله به سفارت های امریکا در نایروبی و دارالسلام صدها غیر نظامی و فقط چند امریکایی کشته شدند اما کشته شدن غیرنظامیان به پیمانهء وسیع موجب انکار القاعده از دست داشتن در این حوادث نشد. آنها در آن زمان لااقل در افغانستان ارتکاب این عمل را به خود نسبت می دادند.

به صورت کلی تروریسم امروز نه به کمیت کشته شده ها در جریان عملیات توجه دارد و نه به تبعات منفی آن علیه خویش یعنی نفرتی که چنین اقدامات می تواند علیه آنان در میان مردم برانگیزد. برای آنان هدفی که مشخص شده است مهم است و بس.

بنا براین یک دلیل این که کسی مسؤولیت این عمل را به دوش نگرفت می تواند ناشی از اشتباه در هدف از جانب سازمان دهندگان این فاجعه باشد.

هدف کی ها بودند؟

وقتی جریانات روزهای چهاردهم و پانزدهم قوس را در ولایت بغلان به دقت مرور کنیم، متوجه می شویم که یک روز

اگر دولت بحران ناشی از این فاجعهء خونین را به درستی مدیریت نکند، شکی نیست که تئوری توطئه در این ماجرا در اذهان مقبولیت بیشتر خواهد یافت و برای دولتی که از قبل نیز با مشکلات فراوان مواجه است، مشکلاتی بیشتر به وجود خواهد آورد

قبل از این واقعه اخباری مبنی بر مسافرت عده یی از مقامات مهم دولتی به این ولایت پخش شده بود و مقامات ولایت نیز آمادهء پذیرایی از آنها بودند.

صبح روز پانزدهم عقرب احمد ضیاء مسعود معاون اول رئیس جمهور از اوزبیکستان و از طریق پل مشترک میان دو کشور به مزارشریف و از آن جا به پل خمری آمد.

از آن جا که قرار بود همان روز اعضای کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه در مسیر سفر به کندز، به ولایت بغلان بیایند و از تأسیسات فابریکهء سمنت غوری دیدن نمایند، محمود کرزی نیز صبح همان روز خود را به پلخمری رسانید تا در جریان دیدار اعضای کمیسیون از فابریکهء سمنت غوری، حاضر باشد.

در شرایطی که خبر این مسافرت ها چند روز قبل پخش شده و به گوش ها رسیده بود، از ساعت نه ونیم صبح، متعلمان مکاتب دخترانه و پسرانه را برای استقبال از مهمانان به جادهء منتهی به فابریکهء قندسازی بغلان گرد آورند و همه متوجه شدند که افراد مهمی برای افتتاح این کارخانه به محل خواهند آمد. آنها گمان داشتند که معاون رئیس جمهور و احتمالا جمعی از وزرا هم در این مراسم شرکت خواهند کرد. وگرنه برای استقبال از چند نمایندهء مجلس، صدها متعلم مکتب را با دسته های گل از صبح تا عصر در کنار جاده در انتظار نمی گذارند.

تروریست ها فرصت کافی برای هرکاری داشتند و با استفاده از خلای امنیتی، توانستند برنامهء شوم شان را پیاده کنند.

آیا این کار نتیجهء یک عمل انتحاری بود؟

اگر فاجعهء بغلان در نتیجهء یک عمل انتحاری باشد، سوء ظن بیشتر متوجه القاعده یا طالبان خواهد شد. هرچند بعضی از شاهدان عینی به انتحاری بودن این رخداد باور دارند اما با توجه به کثرت کشته ها و مجروحین، باور این مسأله به سختی مشکل است که یک کمربند انفجاری در فضای باز موجب تلفات انسانی در چنین مقیاسی وسیع گردد. همه شاهدان عینی به این مسأله متفق القولند که بعد از انفجار، صدای رگبار کلاشینکوف به گوش رسیده است. همه می گویند که اکثریت کشته شده ها با گلوله به قتل رسیده اند و حتی گفته می شود که در بدن آقای کاظمی و محافظان وی نیز گلوله های کلاشینکوف وجود داشت.

یکی از مسؤولین امنیتی که غرض بررسی واقعه به بغلان رفته است در صحبت با یکی از رسانه ها گفت که این آثار در اجساد، ناشی از شلیک کلاشینکوف نبوده بلکه در اثر ساچمه هایی بوده است که در کمربند انتحار کننده وجود داشته است. وی مدعی شد که آنها حدود دو هزار ساچمه را از محل واقعه جمع آوری کرده اند. بعضی از این ساچمه ها به اندازهء گلولهء کلاشینکوف بوده است.

اگر این ادعا درست باشد در آن صورت باید حداقل ده هزار ساچمه در این کمربند بوده است که دو هزار آن از محل جمع آوری شده است و در این صورت این تصور مشکل است که در یک کمربند انفجاری این همه ساچمه و مواد انفجاری جاسازی شده باشد. در این صورت این احتمال قوی تر می شود که انفجار ناشی از انفجار بمب بوده است.

شلیک کلاشینکوف کار چه کسانی بوده است؟

در محل حادثه کسانی مبادرت به شلیک کلاشینکوف کردند که به قول شاهدان عینی، از جمله یکی از وکلای پارلمان که از ماجرا جان سالم به در برده است، این عمل را محافظان وکلا انجام داده اند. این عضو ولسی جرگه گفت که وی تلاش نموده تا آنها را از این کار باز دارد.

هیچکس نمی گوید که شلیک کار کسانی غیر از محافظان بوده باشد تا جایی که دیده می شود، محافظان بزرگان آموزش لازم برای مقابله با شرایط اضطراری را ندارند. بسیاری از آنان فقط می دانند که چگونه باید شلیک کنند وبس. اکثریت آنان از اقارب وکلا یند.

بازرسی بی طرفانه و روشن

کمیسیون بازی های دولت در گذشته و در موارد مشابه، بیش از این که به روشن شدن حقایق کمک کرده باشد، به کتمان حقایق انجامیده است و این بار هم به نظر می رسد که دولت قصد کار مشابه را دارد. انتصاب وزیر داخله از جانب رئیس جمهور، در رأس کمیسیونی برای تحقیق در این موضوع آنهم در شرایطی که ارگان های امنیتی وانتظامی به قصور و کوتاهی در این ماجرا متهمند نشان می دهد که مردم باید ماهها و سالها برای روشن شدن نتایج کار این کمیسیون در انتظار بی حاصل باقی بمانند و در نهایت نیز این ماجرا به فراموشی سپرده شود.

اگر دولت بحران ناشی از این فاجعهء خونین را به درستی مدیریت نکند، شکی نیست که تئوری توطئه در این ماجرا در اذهان مقبولیت بیشتر خواهد یافت و برای دولتی که از قبل نیز با مشکلات فراوان مواجه است، مشکلاتی بیشتر به وجود خواهد آورد.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و جبههٔ ملی افغانستان در همایش بزرگداشت از شهادت سید مصطفی کاظمی:

گرچه جای کاظمی در چندین عرصه خالی است اما یاران وهمسنگران وی راه او را ادامه می دهند



محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان:

آخرین دغدغهٔ ذهنی کاظمی ایجاد تغییر در زندگی مردم افغانستان بود او می خواست درزندگی یتیم و بیوهٔ افغانستان تحول به وجود بیاید، کاظمی برای ساختن یک افغانستان جدید با معیارهای جدید مبارزه می کرد. سید مصطفی کاظمی با یارانش برای بررسی اوضاع اقتصادی بغلان رفته بودند، آنان برای کسب امتیازی برای خود بدان جا نرفته بودند

روز جمعه ۲۵ عقرب به مناسبت شهادت سیدمصطفی کاظمی رهبرحزب اقتدارملی ورئیس کمیسیون اقتصاد شورای ملی و یارانش درکابل محفلی با شکوه برگزار شد.در این محفل که درحوزهٔ خاتم الانبیا برگزارشده بود جمعی کثیر از سوگواران کاظمی و یارانش، استاد برهان الدین ربانی رهبر جبههٔ ملی، محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان، استاد اکبری عضو ولسی جرگه و مصطفی ظاهر از بنیادگذاران جبههٔ متحد ملی، شماری از اعضای شورای ملی و برخی از اعضای کابینه و مأموران بلند پایهٔ دولت و چند هزار تن دیگر شرکت ورزیده بودند.

این محفل با تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد و سپس استاد برهان الدین ربانی رهبرجهاد و مقاومت و رهبرجبههٔ ملی افغانستان پیرامون شخصیت سید مصطفی کاظمی و حادثه ۱۵ عقرب ولایت بغلان سخنرانی کرد. استاد بعد از فرستادن درود به روان پاک تمام شهدای این حادثه در قسمتی از سخنانش گفت: "شکی نیست که این عزیزان و در رأس شهید بزرگوار سید مصطفی کاظمی به حق می توان گفت شهید ملت افغانستانند، شهادت سید مصطفی کاظمی دردناک ترین حادثه یی بود که نه تنها شورای ملی افغانستان، جبههٔ ملی افغانستان، حزب اقتدارملی و خانوادهٔ بزرگوار این شهید، دوستان و عزیزان، همسنگران و یاران او را شدیداً تکان داد بلکه این حادثه درکشور ما یقینا یکی از دردناک ترین حوادثی بود که برای همهٔ ما اعلان هوشیارباش می دهد که چه توطئه هایی درکمین است، توطئه هایی که می خواهند آواز حق و حقیقت فرزندان جرأتمند و شجاع این کشور را خاموش کنند، عناصر مؤمن و دلسوزی را که آرزوی خدمت به وطن عزیز خود را دارند فرزندان برومندی که سالیانی دراز است که سینه های خود را سپر ساخته اند تا از دین، عزت و سرفرازی این کشور دفاع کنند و امروز در شرایط کنونی تصمیم داشتند وتصمیم دارند که بار دیگر از وحدت ملی، عزت و سربلندی و آبادی وآزادی مردانه وار و جرأتمندانه دفاع کنند. دست هایی ناپاک با توطئه هایی شوم و ننگین می خواهند فرزندان عزیزکشور را از میان مردم مظلوم ما ناجوانمردانه نابود سازند. تا ملت محروم ما را محروم تر سازند. شکی نیست که سرمایه های بزرگ هر ملت، شخصیت ها و سیاست مداران و اندیشمندان و علما و جهادگران و دلسوزان آن ملت هستند. این سرمایه ها به هیچ وجه با سرمایه های مادی قابل مقایسه نیستند. می شود سرمایه های مادی را به دست آورد، اما سرمایه های بزرگ معنوی و این دانه های قیمتی همیشه به دست نمی آیند ملت ما سال ها در انتظار بود تا این شخصیت ها از میان سنگرهای پرافتخار خون و شهادت سربلندکردند و بی شایبه در سخت ترین روزگار این ملت و این سرزمین مردانه از تاریخ و فرهنگ و دین و ارزش ها دفاع کردند. یقیناً این شخصیت ها زمانی که از جمع ما می روند جای شان برای همیش خالی است. دیگر سخنان دلنشین مصطفی کاظمی، بررسی های عالمانه و جراتمندأنه اش، تحلیل های سیاسی و اقتصادی اش از اوضاع کشور برای همیش خاموش شده است. اما از آن جا که ما مسلمان هستیم مطابق به فرمودهٔ الهی که می فرماید: (**وما محمدإلارسول قد خلت من قبله الرسل أفإن مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم ...**) در مکتب اسلام اصلاً کسانی که وابسته به این مکتب هستند حتا زمانی که عزیزترین و بزرگترین هستی انسانیت را از دست می دهند که پیامبرگرامی است مأیوس نمی شوند و دست از تلاش نمی گیرند. خداوند دربارهٔ پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: اگر بمیرد یا شهید شود شما رهروان آیا از راه منحرف می شوید؟ آیا منقلب می شوید راه و رسم پیامبر اسلام را می گذارید؟ نه خیر

همچنان که رحلت پیامبر صورت گرفت امروز مصطفی کاظمی از میان ما رفته است. راهی که اسلام گذاشته و پیامبر گذاشته و این عزیزان آن راه را با خون خود تا آخرین لحظه حیات ادامه دادند این راه ادامه دارد. اگرچه به لحاظ فزیکی آواز شهید کاظمی خاتمه یافته اما فریاد دلنشین او در اعماق وجدان این ملت به عنوان یک فرزند اصلاح طلب در مبارزهٔ خود همیش خاموش نخواهد شد، شما بار بار شینده اید که او و یارانش می گفتند ما در جبههٔ ملی به عنوان اپوزیسیونی که همیش نقادی کند و از دولت انتقاد بنماید نیستیم. ما نمی خواهیم با موضعگیری های تند تزلزل در دولت ناتوان خود و شرایط آسیب پذیر کشورخود ایجاد نماییم بلکه ما آرزومند آن هستیم که تا به عنوان بازوی نیرومند ملت مان هرکار خوبی که انجام می گیرد از او حمایت بکنیم و دلسوزانه انتقاد بکنیم، یقیناً بدون انتقاد هیچ اصلاحی در هیچ جایی به میان نمی آید.

یکی از اصول عمده در نظام سیاسی اسلام محاسبه از خود و نقادی از خود و امر به معروف و نهی از منکر از دیگران است. به این اساس سید مصطفی کاظمی تا آخرین لحظات زندگی به عنوان یک ناقد دلسوز در قضایای ملی و بین المللی تماس می گرفت و دلسوزانه حقایق را بازگو می نمود بدون آن که هیچ نوع نیتی سوء در میان باشد.

استاد همچنان تأکید کرد: سؤالاتی وجود دارد که باید بکوشیم با تحقیق جدی در بارهٔ این بگو و مگوها انکشاف ننماید. باید به این سؤالات عملاً جواب بدهیم و با تحقیق جدی دولت و همهٔ ما باید روشن کنیم که قاتلان جنایت کار و آن دست های ناپاک که این حادثهٔ خونین را به راه انداختند چه کسانی بودند. آیا مصطفی کاظمی شهید حق و حقیقت صراحت لهجهٔ خود بود؟ آیا دست خاین و خاینانه یی درکمین نشسته بود؟ آیا گروه هایی که احمقانه فرزندان مظلوم،کودک و زن و امام مسجد را می کشند عامل این حادثه هستند؟ و یا این که دست ها و یا توطئه هایی دیگر درکار بودکه باعث این حادثهٔ دردناک شد؟ سخت باید کوشید، گاه گاهی می شنویم بعضی می گویند بحث و صحبت روی حادثهٔ بغلان یک استفادهٔ سیاسی است. من تعجب می کنم حتا برخی از حلقه های خارجی هم این صحبت را راه می اندازند، یعنی بگذارید که فاجعه ها تکرار شود و دهن ها بسته باشد و هر روز خدای ناخواسته شاهد چنین فاجعه هایی خونین باشیم، نه خیر، به عقیدهٔ من چنین صحبت هایی، در واقعیت خود یک بحث سیاسی یا یک استفادهٔ سیاسی است. اما صحبت دربارهٔ این فاجعهٔ دردناک کمک به دولت وکمک به امنیت است، اگر خواسته باشیم دوسیه ها پیچانیده شود و همه خاموش باشیم می ترسم که هر روز این فاجعه تکرار شود. به این اساس همه متوجه بوده باشیم تا ریشه یابی این فاجعه بسیاردقیق و دلسوزانه صورت بگیرد تا بدین وسیله دیگر اجازه ندهیم که جنایت کاران جنایت هایی متکرراً مرتکب شوند. استاد اضافه کرد: گرچه جای کاظمی خالی است اما یاران وهمسنگران وی این راه را ادامه می دهند. محمدیونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان نیز در این محفل سخنرانی نمود، آقای قانونی به جوانب مختلف زندگی کاظمی تماس گرفت و اندکی مفصل سخن گفت. او در قسمتی ازسخنانش گفت: آخرین دغدغهٔ ذهنی کاظمی ایجاد تغییر در زندگی مردم افغانستان بود او می خواست درزندگی یتیم و بیوهٔ افغانستان تحول به وجود بیاید، کاظمی برای ساختن یک افغانستان جدید با معیارهای جدید مبارزه می کرد. سید مصطفی کاظمی با یارانش برای بررسی اوضاع اقتصادی بغلان رفته بودند، آنان برای کسب امتیازی برای خود بدان جا نرفته بودند.

قانونی دربارهٔ شخصیت کاظمی گفت که او هفده سال است کاظمی را می شناخت و او را در همهٔ مرحله های زندگی اش کسی یافته است که برای افغانستان می اندیشید و برای صلح و ثبات آن فکر می کرد.

قانونی افزود: او اقتصاد و سیاست نخوانده بود، اما اقتصاد و سیاست را از متن زندگی مردمش آموخته بود. قانونی به توانایی ها و مدیریت کاظمی در وزارت تجارت اشارت کرد و مؤفقیت های او را در این وزارت بالاتر از دست آوردهای کسانی دانست که در اقتصاد تحصیلات و تخصص دارند.

استاد اکبری نیز در این محفل سخنرانی کرد موصوف ضمن یاد آوری از شاخصه های خوب کاظمی گفت: اگر کاظمی زنده می ماند مصدر خدمتی خوب برای افغانستان می شد. وی همچنان تأکید کرد که مسؤولان دولتی بغلان در تأمین امنیت برای هیأت شورای ملی سهل انگاری کرده اند. وی همچنان خواستارتحقیقات جدی در مورد روشن شدن جزئیات این حادثه شد.

مولانا شینواری یکی از هواداران مصطفی ظاهر به نمایندگی از وی نیز پیرامون شخصیت کاظمی صحبت کرد و وی را طبیب خوب برای وضعیت کنونی افغانستان خواند. او افزود که تمام رهبران سیاسی ودولت افغانستان باید از اندیشه های کاظمی استفاده کنند.

در این همایش همچنان پیام ژنرال دوستم توسط آقای خیری خوانده شدکه درپیام از نیکی ها و خوبی های کاظمی سخن رفته بود.

حاجی ایام الدین مشاورشورای شهروندان شهرکابل در این محفل صحبت کرد وی به بیانیهٔ رئیس جمهور درکنفرانس شورای سراسری همبستگی وزارت انکشاف دهات تماس گرفت و با لحن شدید و انتقاد آمیز گفت: مسؤول این همه بیدادی کیست که آقای کرزی هم شکایت می کند آقای کرزی در این همایش از وزیران و اعضای شورای ملی شکایت کرده و آنان را به پول اندوزی متهم کرده بود. او افزود: نظام فعلی دموکراسی نه بلکه انارشیزم است.

درآخرسیدمسعودکاظمی فرزند بزرگ شهیدمصطفی کاظمی صحبت کردوگفت: یگانه آرزویی که درزندگی دارم ادامهٔ خط فکری پدرم خواهد بود.

گزارش از شایق

سیری بر مثنوی مولانا ۱

نوشتهٔ مولانا علامه شبلی نعمانی
ترجمهٔ حافظ رابعه نورستانی



مثنوی معنوی مولوی
هست قرآن بر زبان پهلوی

شعر فارسی در اول برای تفریح و مداحی سلاطین آغاز شد. از همین رو بود که در اصناف سخن از همه اولتر قصیده به وجود آمد، زیرا در زبان عربی از مدت ها قبل، قصائد، مخصوص مدح و ثنا بود. قسمت اول قصائد از غزل آغاز می شوند که آن را تشبیب می گویند به همین ارتباط غزل سرایی نیز آغاز گردید، لیکن غزل هایی به همان سادگی که شایستهٔ تمهید قصائد بود.

در سلاطین آن سامان و سلطان محمود این ذوق پیدا شد که باید کارنامه های آبا و اجداد یعنی شاهان عجم به نظر در آورده شود تا مانند ضرب المثل به زبان مردم جاری گردد. از همین لحاظ مثنوی ایجاد شد که برای بیان واقعات تاریخی - در بین اصناف نظم - از همه بهتر بود. فردوسی این صنف را آن قدر ارتقا بخشید که تا حال بر آن چیز دیگری اضافه شده نتوانست. آنچه از تحول و ارتقا که مثنوی و باقی انواع شعر تا آن زمان به خود دیده بود، در ساحات واقعه نگاری، خیال پردازی و صنایع بدیعی بود، ذوق و کیفیتی وجود نداشت. حضرت سلطان ابوسعید ابو الخیر تخیلات متصوفانه و مسائل طریقت را در رباعی بیان نمود و این اولین بار بود که در شاعری روح وجود، ذوق و مستی پدید آمد. در اواخر دولت غزنوی، حکیم سنایی حدیقه را نوشت که در نظم اولین تصنیف تصوفی بود. بعد از حدیقه خواجه فرید الدین عطار مثنوی های زیاد تصوفی نوشت، که از آن جمله منطق الطیر شهرت زیادتر حاصل کرد. مثنوی مولانا که ما می خواهیم بر آن تقریظ بنویسیم خاتم همین سلسله است. شواهد بسیاری بر این امر موجود است که تصنیفات خواجه عطار دلیل راه مولانا صاحب شده است در تمام تذکره ها ذکر است وقتی که مولانا به نیشاپور رسید با خواجه فرید الدین عطار ملاقات کرد و ایشان کتاب اسرار نامه خود را نذر مولانا نمودند که حضرت مولانا در آن وقت به سن شش سالگی رسیده بودند، و خواجه صاحب برای والد مولانا گفته بودند که این طفل را عزیز دار، از روزی در تمام عالم غوغا برپا خواهد کرد.

خود مولانا می فرماید:

هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

درجای دیگر می فرماید:

عطار روح بود سنایی دو چشم او
ما از پس سنایی و عطار آمدیم

ارباب تذکره می نویسند که حسام الدین چلپی از مولانا درخواست کرد که یک مثنوی به شیوهٔ منطق الطیر نوشته شود. مولانا فرمود شب به خیال خود من نیز آمد و همان وقت چند بیت موزون شد:

بشنو از نی چون حکایت می کند... الخ

در به وجود آمدن مثنوی حسام الدین چلبی را دخالت زیادی است، و در حقیقت این کتاب نایاب از برکت او به وجود آمده است. او از مریدان خاص مولانا بود و مولانا آنقدر عزت او را داشت که اگر درجایی ذکر او را می نمایند، طوری می آید که تصور می شود ذکر پیر طریقت و استاد خویش را می نمایند. مثنوی شش دفتر دارد که به غیر از دفتر اول باقی تمام دفترها با نام او مزین است:

در دفتر دوم می نویسند:

مدتی این مثنوی تأخیر شد
مهلتی بایست تا خون شیر شد

در دفتر سوم فرمایند:

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار
این سوم دفتر که سنت شد سه بار
بر کشا گنجینهٔ اسرار را
در سوم دفتر بهل اعذار را

در فتر چهارم ارشاد می فرمایند:

ای ضیاء الحق حسام الدین تویی
که گذشت از مه بنورت مثنوی
همت عالی تو ای مرتجی
می کشد این را خدا داند کجا
گردن این مثنوی را بسته ای
می کشی آن سو که تو دانسته ای
زان ضیا گفتم حسام الدین ترا
که تو خورشیدی و این دو وصفها
همچنان مقصود من زین مثنوی
ای ضیاء الحق حسام الدین تویی
مثنوی اندر فروع و در اصول
جمله آن است کردستی قبول
قصدم از الفاظ او راز توست
قصدم از انشاش آواز توست
پیش من آوازت آواز خداست
عاشق از معشوق حاشا کی جداست

در دفتر پنجم می نویسد:

شه حسام الدین که نور انجم است
طالب آغاز سفر پنجم است

در دفتر ششم تحریر می فرمایند:

ای حیات دل حسام الدین بسی
سیل می جوشد به قسم سادسی

وقتی که دفتر اول مثنوی ختم شد، همسر حسام الدین چلپی وفات یافت. از آن واقعه آن قدر بر او صدمه رسید که تا مدت دو سال افسرده بود. چونکه بانی و محرک سلسلهٔ مثنوی او بود و مولانا نیز تا دو سال خاموشی اختیار فرمودند، تا بالآخره خود حسام الدین استدعا نمود و مولانا باز به گفتار آغاز کردند. تاریخ آغاز دفتر دوم سنه ۶۶۲هـ است. چنانچه خود مولانا می فرمایند:

مطلع تاریخ این سودا و سود
سال اندر ششصد و شصت و دو بود

دفتر ششم زیر کار بود که ناقه بیماری به آستان حیات پربارمولانا زانو زدواین امرباعث گردید که سلسلهٔ تحریر مثنوی یکدم مسدود گردد. پسر مولانا بهاو الدین ولد سبب ترک تصنیف را جویا شد. مولانا فرمودند که حالا سفر آخرت در پیش است. این راز حال از زبان کس دیگری بیان خواهد شد. چنانچه بهاء الدین ولد خود می نویسد:

مدتی زین مثنوی چون والدم
شد خمش گفتم وراکای زنده دم
از چه رو دیگر نمی گویی سخن
بهرچه بستی در علم لدن
گفت نطقم چون شتر زین پس بخفت
او بگوید من دهان بستم ز گفت
گفتگو آخر رسید و عمر هم
مژده آمد وقت کز تن وارهم
در جهان جان کنم جولان همی
بگذرم زین نم در آیم در یمی

روایت عام چنین است که بعد از این مولانا در سنه ۶۷۲هـ به حق پیوستند، فرصت نیافتند تا دفتر ششم را تکمیل نمایند. اما به گونه ای که در فوق نگاشته شد، دفتر ششم را خود مولانا تکمیل نمودند که چند بیت آن قرار ذیل است:

این ضیاء الحق حسام الدین فرید
دولتت پاینده فقرت بر مزید
چونکه از چرخ ششم کردی گذر
بر فراز چرخ هفتم کن سفر
سعد اعدادست هفت ای خوش نفس
زانکه تکمیل عدد هفت است بس

در این جا شبهه یی پیدا می شود که اگر چنانچه فرزند رشید مولانا سلطان ولد در خاتمهٔ مثنوی نوشته که مولانا فرمود: حال زبان من بسته شده و تا روز قیامت دیگر با کسی گفتگو نمی کنم. بنا بر این اگر بیان اسمیل قیصری را صحیح پنداریم، پس پیش گویی مولانا غلط ثابت می شود. لیکن این شبهه قابل اهمیت نیست تمام پیش گویی فقرا و عرفا قطعی و یقینی نمی باشند. امکان دارد از اثر بیماری آن تصور نزد مولانا به وجود آمده باشد، لیکن وقتی که خداوند"ج" به ایشان صحت عطا فرمود، دیگر علتی وجود نداشت تا برای اثبات پیش گویی شان دنیا را از فیض خود محروم می داشتند.

شهرت و مقبولیت مثنوی

آن شهرت و محبوبیتی را که مثنوی حاصل کرد، تا حال هیچ کتاب دیگری در زبان فارسی نتوانسته است آنرا حاصل کند. صاحب مجمع الفصحا نوشته است تا حال در ایران به اندازهٔ چار کتاب هیچ کتابی مقبولیت حاصل ننموده است: شاهنامه، گلستان، مثنوی مولانا، دیوان حافظ. اگر این چار کتاب را مورد مقایسه قرار دهیم، مثنوی گوی رجحان می رباید. مقبولیت مثنوی زیاده تر از آن جهت است که: اعتنایی که علما و فضلا به مثنوی کردند تا حال بر هیچ کتاب دیگری ننموده اند. شروحی که تا حال بر مثنوی نوشته شده یک فهرست آن را در این جا درج می نماییم. این جدول از کشف الظنون گرفته شده است. بعد از کشف الظنون شرح های دیگری نیز بر مثنوی نوشته شده است که ذکر آنها در کشف الظنون نمی باشد و شده نمی توانست.

به ارتباط مقبولیت این نکته قابل ذکر است که به غیر از مثنوی کتاب هایی که قبلاً ذکر شد، از لحاظ مضمون دست نخورده بودند. یعنی قبل از آن ها کتاب دیگری در آن مضامین نشده بود و یا حد اقل شهرتی نیافته بود. قبل از شاهنامهٔ اسدی طوسی و دقیقی مثنوی های رزمی نوشته شدند. دقیقی صرف یک هزار بیت نوشت و کتاب اسدی طوسی (گشتاسب نامه) ناتمام مانده بود. گلستان از نگاه شیوهٔ خود اولین تصنیف بود از این لحاظ برای این کتاب ها میدان خالی بوده، حریف مقابله کننده یی در پیش رو قرار نداشت. برخلاف قبل از مثنوی در تصوف و سلوک کتب متعددی موجود بود یعنی جام جم اوحدی مراغه یی متوفی سنه ۵۵۴، مصباح الارواح اوحد کرمانی متوفی سنه ۵۳۶، حدیقهٔ حکیم سنایی، منطق الطیر خواجه فرید الدین عطار از کتب فوق اگر چه دوی اول، آن قدر شهرت حاصل ننموده بود، لیکن شهرت حدیقه و منطق الطیر به تمام عالم مشتاق وخریدار داشت. فضل ذاتی، کمال و تقدس حکیم سنایی خواجه فرید الدین عطار به درجه یی بود که، اگر تصنیفات ایشان در سطح پایینتری هم قرار می داشت، بازهم مردم بر چشمان خود آن را نگه می داشتند. غیر از این موضوع، از نظر نفس شاعری نیز دو کتاب مذکور نسبت به مثنوی بلند مرتبه تر بود. برعلاوهٔ همهٔ این ها این کتاب ها در کشوری نوشته شده بود که زبان مردم آنجا فارسی بود، از آن رو هر کس از آن حظ برده می توانست و قرائت آن در هر صحبت و مجلس می توانست مروج باشد، برخلاف، مثنوی در جایی تصنیف شد که زبان آن جا ترکی بود و تا حال همان است، علاوه بر تمام این سخن ها در حدیقه و منطق الطیر مسائل پیچیده و دقیقی بیان نشده بود، بیان واضح و روشن سلوک و اخلاق در آنها شده بود، طوری که برای کودکان هم قابل فهم بودند. برخلاف، حصهٔ بزرگ مثنوی بیان آن مسائلی است که علمای دقیق النظر هم به مشکل به آن پی برده می توانند. تا حدی که بعضی جاهای آن با وجود شرح های بسیار تا حال لاینحل مانده است. با وجود این همه موانع مثنوی چنان شهرت یافت. امروز اشعار حدیقه و منطق الطیر به مشکل بر زبان یکی دو نفر خواهد بود. ولی اشعار مثنوی بر نوک زبان فرد فرد حتی کودکان جاری است. و گرمی محفل واعظان کلاً از برکت مثنوی می باشد.

دلایل مقبولیت مثنوی:

کتاب به دو طریق مقبول می شود: گاهی نظر به سادگی، صفا و دلاویزی بین عوام مقبولیت حاصل می نماید، بعداً رفته رفته توجه خواص نیز به سوی آن جلب می گردد و کتاب طرف قبول عام واقع می شود. بعضاً اتفاق می افتد که کتاب از دسترس عوام خارج شود و نظر خواص بر آن می افتد خواص بر آن توجه بیشتر می کنند، به همان اندازه نکات و دقایق زیادتری در آن می یابند. از اثر اعتنا، توجه و تحسین خواص بین عوام نیز آوازه افتاده و مردم به صورت تقلیدی به آن معتقد و معترف می شوند و رفته رفته در دائرهٔ آن تمام ملک محیط می شود.

مقبولیت مثنوی نیز همان قسم است و در این هیچ جای شک نیست که تا حال کتاب دیگری به اندازهٔ مثنوی شهرت حاصل ننموده است. در زبان فارسی به هر اندازه کتاب که به نظم و نثر نوشته شده به پیمانهٔ مثنوی مسائل دقیق نازک و اسرار بزرگ که در مثنوی است در هیچ کتاب دیگری سراغ نمی شود. این گونه نکات و دقایق حتی در تصنیفات عربی نیز به مشکل پیدا می شود نظر به موضوعات فوق اگر علما و ارباب هنر نسبت به هر کتاب دیگر توجه بیشتر به مثنوی کرده اند و تا بدان حد مبالغه نموده اند که:

هست قرآن در زبان پهلوی، جای تعجب نیست.

عبرت: مرحوم مفتی میر عباس علت دیگری از مقبولیت مثنوی را بیان نموده است:

در تصوف می شود شیرین کلام
زان که باشد در گنه لذت تمام

قبل از مثنوی اگر در اخلاق و تصوف کتابی نوشته شده بود، تصور آنان چنین بود که عناوین مختلفی از اخلاق و تصوف تعیین می کردند و حکایات اخلاقی می نوشتند و بعداً از آن نتیجه گیری می نمودند. شیوهٔ منطق الطیر و بوستان همین است. در حدیقه اکثراً مسائل طور جداگانه نیز بیان شده است. مثلاً نفس، عقل، عمل، تنزیه، صفات، معرفت، وجد، توکل، صبر، شکر وغیره عنوان ها قرار گرفته و حقیقت آن بیان شده است. لیکن شیوهٔ مثنوی چنین نیست. در مثنوی هیچ گونه ترتیب و تبویب نمی باشد. تقسیم دفاتر نیز از لحاظ خصوصیت مضمون نیست. چونکه این امر ظاهراً نازیبا معلوم می شود، در زمان خود مولانا نیز معترضین بر آن اعتراض نمودند. چنانچه مولانا از زبان معترضین می فرماید:

کین سخن پست است یعنی مثنوی
قصهٔ پیغمبر است و پیروی
نیست ذکر و بحث اسرار بلند
که دوانند اولیا زانسو کمند
از مقامات تبتل تا فنا
پایه پایه تا ملاقات خدا
جمله سر تا سر فسانه است و فسون
کودکانه قصهٔ درون و بیرون

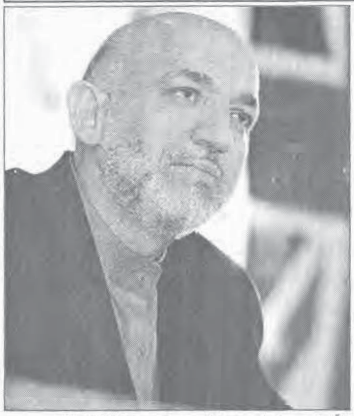
مولانا در جواب ایشان گفت که کفار بر قرآن مجید نیز عین اعتراض را کرده بودند.

چون کتاب الله بیامد هم بران
این چنین طعنه زدند آن کافران

بعد می نویسد:

حرف قرآن را مدان که ظاهر است
زیر ظاهر باطنی هم قاهر است
زیر آن باطن یکی بطن دیگر
خیره گردد اندرو فکر و نظر
همچنین تا هفت بطن ای بوالکرم
می شمر تو این حدیث معتصم

ادامه دارد



سخنان تاریخی رئیس جمهور

بیــان درد و نــه درمــان

محمد نسیم فقیری

رئیس جمهور کشور روز سه شنبه ۲۲ عقرب در خیمهٔ تاریخی لویه جرگه، سخنانی تاریخی به مخاطبان خاص و با حکم عام ایراد نمود که بسیار مهم و درخور تأمل است.

رئیس جمهور خطاب به نمایندگان شوراهای محلی برنامهٔ همبستگی ملی وزارت انکشاف دهات، به ضعف، نارسایی و بی کفایتی ادارات دولتی اشاره کرد و غیظ و غضب خود را از این ناحیه با احساسات و هیجان ابراز نمود. او از زندگی سرشار از نعمات اراکین حکومت و پارلمان یاد کرد و گفت هر کجا زندگی خوب و نعمت و تعمیر های مجلل است از آن این هاست و سرمایه های شان در بانک های خارجی نیز انباشته شده است.

او اضافه کرد: ملت ما قوی و زورمند است و پابرجا، حکومت ها می آیند و می روند ولی ملت هم چنان استوار و پا برجا می ماند.

چند بار فرار کردیم و به کجا و کجا رفتیم ولی ملت مهربان شد و به ما اجازه داد تا دوباره بر گردیم ولی اگر این بار ملت از ما روی بگرداند، در آن صورت چون هنوز عبرت نگرفته ایم، پس راه فرار وجود نخواهد داشت.

رئیس جمهور با صراحت از خود و همکاران خود انتقاد کرد و از سرمایه ها و تعمیرهای اراکین حکومت و شورا یاد نمود و بر آن خروشید که بدون شک صدای مردم را بازتاب داده است ولی سوال این است که برای جلوگیری از زر اندوزی و تجمل پسندی اراکین نظام چه اقداماتی صورت پذیرفته است؟!

چرا این وضعیت به صورت روز افزون در حال گسترش است؟ تاکنون چند نفر به این جرم یا اتهام محاکمه و یا از کار برکنار شده اند؟ آیا پروسهٔ ثبت دارایی های این اراکین آغاز و مورد بررسی قرار گرفته است؟

همه زعما و رؤسای جمهور عادت دارند، زمانی که بخواهند بر یاران و همکاران خود بخروشند و ضعف ها و نارسایی های شان را بر ملا سازند، با لهجهٔ انقلابی و قهر آمیز آنان را نکوهش می کنند و در مقابل ملت و مردم را تأیید و تمجید می نمایند!

در این میان، رئیس جمهور کشور ما مرتکب یک اشتباه شد و آن علت مهاجرت تعدادی از اراکین نظام و رهبران سیاسی کنونی در سال های پیش است. از بیانات رئیس جمهور چنین بر می آید که هجرت یا به قول او فرار در اثر نا رضایتی و فشار مردم بوده است! و بر گشت آنان در اثر لطف و مهربانی مردم! گویا هیچ عنصر و عامل دیگری وجود نداشته است!

رئیس جمهور خود اعتراف داد که مردم به او و به نمایندگان شان در شورا رأی داده اند، پس هجرت آنان نه در اثر قهر و خشم ملت بلکه تجاوز خارجی و استبداد داخلی بوده است.

رئیس جمهور با این بیانات تند و خشم آگین می خواهد به همکاران و اراکین نظام هشدار بدهد و از آیندهٔ هولناک آنان را با خبر نماید!

آیا می خواهد با این بیانات از ؟ نارضایتی مردم بکاهد یا آن را بیشتر سازد؟ آیا قصد دارد با اعلام بیزاری از وضع موجود برای آوردن تغییراتی وسیع در حکومت، زمینه سازی کند؟ آیا با ابراز رنج و خستگی از این وضع، قصد کنار رفتن را دارد؟

همه می دانیم که بیان دردها کافی نیست زیرا همگان از درد و رنج جامعه و مردم و نارسایی و خوشگذرانی و یا بی تفاوتی مسؤولان آگاهی دارند. ملت درمان می خواهد ولی متأسفانه که رئیس جمهور فقط به بیان دردها و رنج ها بسنده کرد و از علاج و درمان چیزی نگفت و برای آن نسخه یی ننوشت، کاری که به عنوان رئیس آن را باید می کرد و باید بکند.

د بهرنیو چارو د وزارت د پام وړ

احسان الله بلال

شریکی دی، که امریکا د که په دقیقه توګه وګورو د امریکا او پاکستان ستراتیژی او ګټې هم تر ډېره پورې طالبانو په واسطه خپل میخونه په افغانستان کې میخ کړل، نو پاکستان هم پرې ځان هغه موقعیت ته ورساوه چې تر دې د مخه ورته کله هم نه و ممکن

د سپتمبر تر پېښو د مخه ښايي د مطالعي او نظر خاوندانو ته به د دې پوښتني ځواب ډېر ګران او نا څرګند نه و، خو تر نوموړو پېښو وروسته چې امریکا افغانستان ته راغله او خپل اروپایي ملګري یې هم له غوړو ونیول او په ځان پسې یې راکاږل او په افغانستان کې د بهرنیو ځواکونو غوبل جوړ شو، نو له ډېرو سره به ښايي دا پوښتنه پیدا شوي وي چې ښايي افغانستان اوس د امریکا په لومړۍ درجه دوستانو کې شمیرل شوی وي او اوس به افغانستان ګل وګلزار شي، خو دا محض یوه خوشباوري، له حالاتو نا خبري او د ځان تیر ایستنه ده او که نه پاکستان اوس هم امریکا ته همغو مره اهمیت لري لکه پخوایي چې درلود چې په راتلونکو کرښو کې به پرې وغږیږو. پر ۱۳۵۷ل چې په ایران کې اسلامي انقلاب بریالی شو او د رضا شاه رژیم سقوط وکړ. امریکا په منځني ختیځ کې د «ژاندارم» دنده اسرائیلو په جنوبي آسیا کې پاکستان ته وسپارله دې دواړو هیوادونو دا دندې ښې پرمخ بوتلې او اوس هم لګیادي پرمخ یې بیایي خو دا چې په سیمه کې د امریکایي پروژو تطبیق همدې دواړو هېوادو په لاس کې وو. پیسې او وسلې همدې هېوادو ته راتلې نو طبیعي خبره وه چې که کوم ماشوم ته پلار پنځه روپۍ ورکړي چې څه له دوکانه پلاني ثیز راوړه، هغه به یکې خامخا روپۍ غیران ځانته وهي نو که په دې برخه کې دې دواړو هېوادو څه وکړل که دا کار بل هر هېواد ته سپارل شوی وای نو هم به یې همدغه کول البته دلته باید یوه تو پیرته هم ګوته ونیو چې امریکا پر اسرائیلو تر هر چا زیات اعتماد کولای شي او پر پاکستان د یوه اسلامي هیواد په حیث خامخا څه شک کولای شي او دا ویره ورته پیدا کیدای شي او پیدا هم ده چې هسې نه د پاکستان اقتدار د یوه داسې اسلامي قوت په لاس کې پریوځي چې سبا امریکې ته په سر خوږ بدل شي، همدا سبب دی چې امریکا د جنرال مشرف حکومت ته تر یوه ډېر دموکراتیک حکومت هم د اعتبار په نظر ګوري که څه هم چې پاکستان امریکي ته سر خوځوي نود پردي شاته د خپلې لا ځواکمنتیا له پاره هم کار کوي او د همدې مقصد له پاره یې په هر حال کې پر ځان د چین د ویسا ساتلو له پاره کار کړی دی، له پاکستان سره هم دا اندیښنه شته چې ښايي یوه ورځ نه یوه ورځ د امریکې په نیت کې څه بدلون راشي ځکه که امریکا په یوه ورځ له لیبیا ته د هغه هیواد ټول هغه نظامي ساز و سامان پر شا کولای شي چې امریکې تری اندیښنه درلوده. نو دا کار له پاکستان سره هم کولای شي، لکه همدا اوس یې چې خپل «ملي اتل» او محسن پاکستان "ډاکتر عبدالقدیر خان" په پنجره کې اچولی دی، ایا د دنیا کوم حقشناس اولس به له خپل دومره ستر شخصیت سره همداسې سلوک وکړي؟

له ډاکتر عبد القدیر خان سره چې څه وشول بې له شکه دا د هغه چا سرو سترګو له ویری وو چې نظر یې د بحر الکاهل له غاړه نه د هند سمندر پر غاړه د پراته سر راوچتوونکي ځواک حرکاتو چې ورسره دا شعارهم زمزمه کوي چې:

پاکستان کا مطلب کیا ؟

لا اله الا الله

پاکستان انګریزانو پښتونخوا د یوه نومیالي سیاستپوه خان عبدالولي خان په وینا د روسانو احتمالي پرمختګ د مخنیوي لپاره جوړ کړه او د پاکستان د جوړولو نخچه د مولانا عبد الستار ایدي په وینا "له جوړولو نه لس کاله د مخه جوړه کړای شوی وه" خو دا چې تر دویمه نړیوال جنګ وروسته، پرنګي وروو شاته شو او ځای یې امریکا ونیو، نو پاکستان هم د امریکا په خولې کې وغورځید.

امریکا چې د کومو دلایلو له مخې د افغاني حکومتونو د بیا بیا مراجعې په صورت کې هم د افغانستان دوستي ته زړه ښه نه کړ، یو هم یکې د پاکستان د دوستي پت پالل وو، امریکایان له امان الله خان سره د دوستي د وړاندیز په دوه دلیلونو رد کړ، یو دا چې فکري کاوه امان الله خان له روسانو سره ډېر نږدې دي او دوهم دا چې د پرنګیانو له خوا پرې فشار وو، خو د پاکستان د جوړیدو وروسته یې پر افغانستان داسې شرایط ایښودل چې هغه د افغانانو له پاره د ځان وژنې (نتحار) معنا لرلای شوه. امریکا له افغانستانه لږ تر لږه غوښتل، چې:

۱ – د ډیورند کرښه په رسمیت وپیژني او د پښتونستان له مطالبې نه تیر شي،

۲– د بغداد په نظامي تړون (سنتو) کې چې پاکستان یې هم غړیتوب درلود داخل شي چې دا هم د افغانستان لپاره د منلو نه وه.

کله چې په ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) کې روسانو پر افغانستان نظامي یرغل وکړ پاکستان د امریکا له پاره نور هم مهم شو، ځکه د هند سمندر پر لور د روسانو پرمختګ خو د پتر د دکتورینو تر څنګ نوی ابعاد هم خپل کړي وو او امریکا پر دې ښه پوهیده نو پر همدې اساس امریکا د روسانو د مخې د ډب کولو لپاره پر پاکستان حتی یو ړوند باوروکړ پاکستان له دغه باور نه د ځان د جوړونې له پاره ډېره ګټه واخیسته د خپل اتومي او توغندوي پروګرام لپاره یې بودجه له همدې لارې برابر کړه، ټانګ جوړولو جوګه شو او د «الخالد» او «الضرار» په نامه پرمختلي ټانګونې جوړ کړل او د غسې یې په نظامي برخه کې پوره پوره پرمختګ وکړ، او همدا رنګه یې د چین له دوستي نه ډېره ګټه واخیسته او د دې هیواد په مرسته یې داسې جنګي الوتکي جوړې کړې چې د امریکا (اف ۱۸) الوتکو مقابله کولای شي او همدا رنګه یې د لویو لارو په جوړولو او صنعتي برخو کې پوره پرمختګ وکړ، پاکستان، چین ته د ګوادر د ډېر مهم بندر د جوړولو پروژه ورکړه چې دا د چین له پاره یو ډېر لوی امتیاز دی.

که څه هم دی کار، امریکه تر ډیره حده پورې سر بداله کړی ده خو په سیمه کې چې کومه ستراتیژي تعقیبوي، د هغې لپاره د پاکستان دوستي ته جدي اړتیا لري؛ نو ځکه خو یې نازوي او د پاکستان پر ډېر څه، عمداً سترګې پټوي، او که نه پاکستان چې په ځانګړې توګه د افغانستان په باب کومه ستراتیژي تعقیبوي او پر کوم سیاست عمل کوي، دا د امریکا له نظره څه پټه خبره نه ده، امریکا پر دې پوهیږي چې روسان لا هم امریکا او لویدیځ ته یو بالقوه خطر دی چې کېدای شي یو وخت نه یو وخت بیا پر یوه بالفعل خطر بدل شي، د غسې منځنۍ آسیا د ګاز او نفتو زیرمو ته د رسیدو لپاره یې روس ځپلې افغانستان هم تر پښو لاندې کړ، ایران ورته بل خطر دی، او تر ټولو زیات چین چې هم د امریکا اقتصاد ګواښي او هم نظامي قوت.

په دې کې شک نشته چې افغانستان هم، امریکا ته د خپلو اهدافو د تعقیبولو لپاره مهم وی او که نه په افغانستان کې یې په اصطلاح د غسې حاتمانه لګښتونه، نه کول خو که له پاکستان سره یې پرتله کړئ، نو پاکستان اوس هم له افغانستانه ورته مهم دی که پاکستان، امریکا ته مهم نه وای، اوس به یې له وخته پر ځای کښینولای وای.

خو که په دقیقه توګه وګورو د امریکا او پاکستان ستراتیژي او ګټې هم تر ډېره پورې شریکې دي، که امریکا د طالبانو په واسطه خپل میخونه په افغانستان کې میخ کړل، نو پاکستان هم پرې ځان هغه موقعیت ته ورساوه چې تر دې د مخه ورته کله هم نه و ممکن.

زما له نظره دا ډیره مهمه ده چې باید د افغانستان د بهرنیو چارو وزارت پرې په دقیقه توګه د مستندو دلایلو او اسنادو له مخې کار وکړي، چې په دغسې په راتلونکې کې د پاکستان د مداخلو لاس لنډ کړای شي، زه دا خبره یوځل بیا کوم چې افغانستان نه له پاکستان سره دښمني کول غواړي، نه یې ضرورت دی او نه یې په ګټه، خو دا پاکستان دی چې د جنګ ځپلي افغانستان پر خلاف یوه ناځوانمردانه پالیسي تعقیبوي، او حتی ټول افغانستان ته یې خیټه په اوبو کې ایښې ده او کله چې پاکستان وایو هدف مو تری د پاکستان خاوره او د پاکستان مؤمن او شریف اولس نه بلکې هغه اداری او افغانستان دښمنه سیاسي کړی دي چې افغانستان ته له قهره په اوبو کې هم خوله خوله دي

زه دلته پر یوه بله خبره هم د ژورې خواشینۍ څرګندونه کوم او هغه دا چې په افغانستان کې ځینې داسې چارواکي واکمن دي چې د خپلو ملي ګټو، او ملي واکمنۍ او ځمکنۍ بشپړتیا په اړه یو اغیزمن ګام هم نه شي اخستلای او نه یې دفاع کولای شي حال دا چې له دې پرته یې مشروعیت مغشوش دی.

شش سال پس از سقوط طالبان

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل



صبح روز ۲۲ عقرب ۱۳۸۰هـ برای کابلیان خسته از رنج، روز فراموش ناشدنی است، زیرا در این روز طالبان گلیم خود را به سوی اقصای جنوب و کشور همسایه کشیدند و کابل را ترک گفتند. آخرین پایگاه مقاومت طالبان در شمال کابل به وسیلهٔ نیروهای مقاومت ونیروهای ایتلاف فرو ریخت. همایش بن شکل گرفت و ادارهٔ موقت و انتقالی با شعارهای جدید وارد معرکه گردید و در رأس این اداره آقای کرزی در کنفرانس بن بعد از چند و چون فراوان قرار گرفت. حکومت مؤقت با شعار مبارزه با دهشت افگنی، بازگشت صلح و ثبات و وعده حکومت قانون به کارش آغاز کرد که خوش بینی های زیادی را درمیان اقشار مختلف جامعهٔ افغانستان به وجود آورد. اما با گذشت زمان این شعارها رنگ باخت و طالبان با استفاده از عدم کارایی حکومت نا کارا و عدم هماهنگی فعالیت های مرزی نیروهای بین المللی توانستند شهرهای بزرگ را تهدید کنند و خود را به دروازه های شهرهای بزرگ و حتا کابل نزدیک سازند، پس از شش سال از سقوط طالبان و حضور نیروهای آیساف و ناتو دیده می شود که زنگ خطر برای گسترش نا امنی ها نه تنها جنوب کشور را از فعالیت های دولتی فلج ساخته است، بلکه این ناراحتی دامنه خود را به شمال کشور نیز گسترش داده است، حادثه بغلان که در آن شش عضو پارلمان به شمول مصطفی کاظمی رئیس کمیسیون اقتصادی پارلمان و سخنگوی جبهه متحد ملی و تعدادی از شاگردان، معلمان و مردمان بی دفاع در این حادثه به شهادت رسیدند. هر عملیات انتحاری در هر گوشه کشور می تواند پیام های زیادی را با خود داشته باشد. وقتی در یک منطقه عملیات انتحاری رخ می دهد، این بدان معناست که در آن محل دهشت افگنان دست به انرژی مادی زده و زمینه های یک چنین عملیه را سازمان داده اند، و طالبان در آن مناطق عملا حضور فزیکی دارند، این فقط کار انتحار کننده نیست، بلکه یک شبکهٔ تمام عیار در آن ذیدخل می باشد، یعنی یک مرکز تجهیز و برنلمه ریزی در عقب آن وجود دارد، ورنه چگونه می تواند که یک نفر انتحاری از جنوب کشور و یا کشور همسایه داخل منطقه گردد و در مراسم استقبال خود را منفجر نماید.

طوری که رسانه ها خبر دادند چهار روز پس از حادثهٔ بغلان، یک انتحار کننده دیگر در حوالی شهر کندز، قبل از رسیدن به هدف خودش را منفجر می سازد، این حادثه در حقیقت از حضور یک مرکز فرماندهی، آموزش، تجهیز و برنامه ریزی حملات انتحاری خبر می دهد. حضور

یکی از زمینه هایی که در جهت رشد مخالفان کمک نموده و می نماید، اکتفا به شعارهای دموکراسی شکلی و نابرابری های اقتصادی است که شهروندان را از دولت دور ساخته است. این دولت هیچ گاه شایستگی یکْ دولت دموکرات را که ادعا می نماید، نداشته است

طالبان و گسترش نا امنی در شمال کشور نه تنها حضور نیرومند طالبان در عرصهٔ سیاسی کشور، مطرح خواهد شد، بلکه در هر نوع مذاکره و گفتگو با دولت از شانس بیشتری برخوردار خواهند گردید. در نتیجه معامله نیروهای انگلیسیَ در موسی قلعه ولایت هلمند، طالبان تقویت یافتند و از فرصت به دست آمده به تشکیلات نظامی خویش پرداختند، در آغاز این تصور وجود نداشت که روزگاری هلمند در نتیجهٔ این توافق انگلیس ها با طالبان، به مرکز تجمع نیروهای دهشت افگنان خارجی تبدیل گردد و در برابر چشمان هزاران سرباز ناتو، به مانور نظامی بپردازند.

امروز شک و تردید هایی را این حرکات ناتو در برابر طالبان، درمیان مردم به وجود آورده است، و این شک و تردید ها وقتی قوت پذیرفت که وزیر دفاع انگلستان از طالبان به عنوان یک جنبش دارای پایگاه اجتماعی یاد نمود و سهیم ساختن آنان را در ساختار قدرت دولتی ارائه نمود. امروز پس از ۹ ماه از توافق نیروهای انگلیس در هلمند، سر انجام این ولایت به مرکز تجمع دهشت افگنان خارجی مبدل شده است و دنبال این نا امنی راهش را به شمال کشور که روزی و روزگاری در برابر جریان طالبان سد محکمی داشته اند سرایت نماید.

هر چند طالبان و برخی مخالفان مسلح دولت زمین هایی در دو ولایت کندز و بغلان به صورت بالقوه و بالفعل دارند، و این حقیقت را در زمان حاکمیت طالبان و در زمان سقوط آنها پس از یازده سپتامبر در ولایت کندز مشاهده می نماییم، اما بی کفایتی مسئوولین این ولایات، طالبان را در این دو ولایت بیشتر تشویق به چنین حرکات خون بار ساخته است. یکی از زمینه هایی که در جهت رشد مخالفان کمک نموده و می نماید، اکتفا به شعارهای دموکراسی شکلی و نابرابری های اقتصادی است که شهروندان را از دولت دور ساخته است. این دولت هیچ گاه شایستگی یک دولت دموکرات را که ادعا می نماید، نداشته است، حتا کوچکترین بنیادهای یک حکومت دموکرات که بر این سه اصل استوار می باشد، در این حکومت لرزان می باشد:

۱- اصل مدارا که مؤسس آن جان لاک می باشد.

۲- اصل تفکیک قوا که مونتیسکو آنرا نظریه پردازی کرده است، و امروز اساس یک نظام قانونمند و قانون مدار محسوب می شود، و کشورهای دموکرات خود را مکلف بنه موجودیت آن می دانند، طوریکه دیده می شود، حکومت همواره در تصمیم گیریهای پارلمان کشور مداخله نموده و هم اکنون شگاف عمیقی میان رئیس جمهور و پارلمان به وجود آمده است که رئیس جمهور نتوانست عدم رضایت خود را از تعدادی اعضاء پارلمان پنهان نگهدارد.حکومت آن تصمیم های پارلمان را ارج می گذارد که با حکومت همسویی داشته باشد و بس.

۳- تعمیم عدالت که از دغدغه های روسو و جان لاک ناشی شده است، هر قدر این پایه ها در یک حکومت استوار بوده باشد، بیشتر می توان آن را دموکرات خواند، ظرف سال های متمادی در نظام سیاسی افغانستان نه تنها عدالت اجتماعی وجود نداشته است، بلکه در جهت نابودی آن تلاش صورت گرفته است. طوری که در برنامه این حکومتها نه عدالت اجتماعی وجود داشته و نه مدارا و انصاف و مشارکت سیاسی اقوام در نظر گرفته شده است. هر نوع ناکامی این نظام سیاسی ناشی از این سه پایهٔ مهم می باشد که دولت در جهات سیاسی شش ساله خویش بدان وفادار نبوده است و این کار می تواند در بروز نا امنی ها وفساد و معضل سیاسی و اجتماعی کشور نقش اساسی داشته باشد، باز گشت به این سه اصل مهم می تواند هویت این نظام را تضمین نماید، چیزی که رسیدن بدان راه درازی را باید طی کرد.

ائتلاف بوتو و نواز شریف علیه مشرف ...

در نتیجه قیمت مواد ارتزاقی در افغانستان فقط در مدت سه روز به شدت بلند رفت. این مسأله نشان داد که ما چقدر از تحولات و حوادث کشور همسایهء خویش آسیب پذیر هستیم در حالی که دولت افغانستان حتی به اندازهء سه روز ذخیرهء مواد غذایی نداشت تا تعادل میان عرضه و تقاضا را در بازار نگهدارد.

یکی از مقامات وزارت تجارت در مصاحبه با رسانه ها گفت که بسته شدن مرز با پاکستان و بلند رفتن قیمت ها برای ما یک تجربه بود و در آینده ما باید در این خصوص پیشبینی داشته و ذخایر موادی چون آرد را در داخل کشور داشته باشیم. زیرا افغانستان یک کشور مصرفی است.

عجیب است که در کشوری که به خاطر اساسی ترین نیاز های خویش این همه به پاکستان متکی است و با این کشور روابط خوب نیز ندارد تا کنون به اهمیت وجود ذخایر استراتژیک حتی در حد اساسی ترین مواد مورد نیاز مردم نیز توجه نشده است. دلیل آن نیز واضح است؛ دولتمردان ما تصور کاملاً غلطی از اقتصاد بازار دارند و حتی نمی دانند که امریکا که خود مبلغ اقتصاد بازار آزاد است، دارای ذخایر استراتژیک است تا در شرایط غیر مترقبه از آن استفاده نماید.

پس مشخص است که دولتمردان ما وضع پاکستان را از طریق رسانه های خبری تحت نظر دارند و کدام طرح عملی برای مقابله با تبعات منفی تحولات کشور همسایه بر افغانستان ندارند.

گفتند و شنیدیم ...

طالبان الاغ را هم اعدام می کنند!

در یک سی دی تبلیغاتی از طالبان جریان اعدام چند الاغ با پرتاب آنان از یک پرتگاه به نمایش گذاشته شده است. پیشتر طالبان افرادی را به جرم جاسوسی به نفع نیروهای خارجی اعدام کرده بودند اما این اولین بار است که الاغ زبان بسته هم با حکم اعدام آنان مواجه می شود.

جریان از این قرار بوده است که گویا چند تن از مردم محل در ولایت کنر به وسیلهء الاغ های خویش موادی را به یکی از پایگاه های سربازان خارجی یا اردوی ملی انتقال دادند اما در بازگشت با طالبان که از موضوع آگاه شده بودند مواجه شدند. آنهایی که دوپا داشتند موفق به فرار شدند و چهارپاهای زبان بسته دستگیر و محکوم به مرگ گردیدند. طالبان مراسم اعدام را به صورت ویدیویی ثبت کردند و غرض عبرت در اختیار مردم گذاشتند تا به مردم بفهمانند که حتی الاغ بودن هم نمی تواند عذر موجه برای همکاری با نیروهای خارجی باشد!!

جنگ و مشکلات اقتصادی در امریکا

در گزارشی که به کنگرهء امریکا ارائه شده آمده است که مصارف جنگ در افغانستان و عراق تا کنون ۱۵۰۰میلیارد دلار برای امریکا هزینه برداشته و این دو برابر مبلغی است که پیشتر برآورد شده بود. پیشتر مصرف جنگ در این دو کشور ۸۰۵ میلیارد دلار تخمین شده بود. دلیل این افزایش بلند رفتن قیمت ها به خصوص قیمت نفت و مصارف تداوی مجروحان جنگ بوده است.

به موجب این گزارش، جنگ عراق و افغانستان برای هر خانوادهء چهارنفرهء امریکایی بیست هزار دلار در سال هزینه داشته و مصارف این جنگ ها به قیمت پایین آمدن میزان خدمات عامه به مردم امریکا مانند بهبود وضعیت تعلیم و صحت در امریکا تأدیه می شود.

این وضع برای مردم افغانستان نیز نگران کننده است به خصوص که جنگ ها شدت بیشتر کسب می کند و جنگ چریکی بیش از پیش برای نیروهای خارجی فرسایشی می شود که در نتیجه قیمت جنگ را افزایش خواهد داد.

هرچند بعضی ها در امریکا به این باورند که اگر جنگ علیه تروریسم به خاطر هزینه های بالا متوقف گردد، تمدن غرب با زیانهای جبران ناپذیر مواجه خواهد شد و بعدا غرب باید قیمت گران تری را بپردازد اما به نظر می رسد که امریکا روز تاروز با مشکلات بیشتر اقتصادی مواجه می گردد و این برای ایران که مورد تهدید فزایندهء امریکا قرار دارد یک خبر خوش آیند است.

تجاوز جنسی به زنان زندانی ...

زندان صورت نگرفته است.

عبدالغیاث الیاسی رئیس هئیت وزارت عدلیه ادعای تجاوز جنسی علیه زنان زندانی را رد کرد و گفت که درمیان۹۴ زن زندانی در زندان پلچرخی ۶ تن آنان بار دار هستند که بر اساس تحقیقات طبی انجام شده است که از جمله پنج تن آنان در دوران قبل از محکوم شدن به حبس باردار بوده اند و یک تن آنان در دوران حبس از شوهرش که او هم زندانی بوده است باردار شده است.

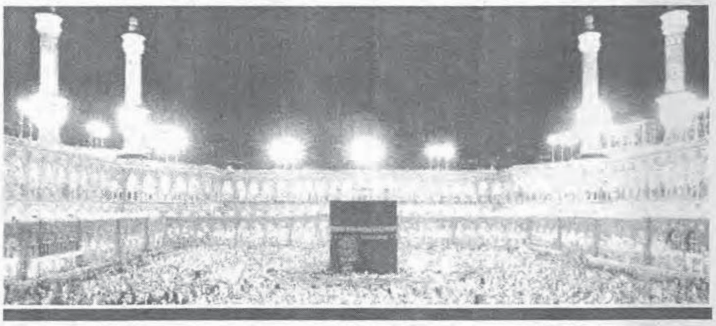
مقامات وزارت عدلیه افغانستان می گویند، از آن جایی که در ادعای هئیت پارلمانی شفافیت وجود ندارد در این بررسی ها که چند روز طول خواهد کشید، تلاش می شود تاهمه جوانب مساله به شکل درست روشن شود.

به گفتهٔ مسؤولان وزارت عدلیه بسیاری از زندانیان زن این مساله را لطمه یی به حیثیت خود می پندارند و آنان خواهان اعادهٔ حیثیت خود شده اند. بنا بر این بعد از انجام بررسی ها در صورتی که ثابت شود زندانیان مورد تجاوز جنسی قرار نگرفته اند، وزارت عدلیه با آنان در مورد اعادهٔ حیثیت شان از طریق ارگان های عدلی و قضایی به حیث یک ارگان رابط همکاری خواهد کرد.

حج، تجمع بزرگ مسلمانان

عبدالله فرزاد

حج، نمادی از گردهمایی جهانی است که در تاریخ بشر مانند ندارد و با هیچ همایش دیگری قابل مقایسه نمی باشد، مسلمانان در حج به یک صدا لبیک می گویند و در پیرامون یک محور (کعبهٔ مقدس) طواف می نمایند؛ کعبه یی که در دل و درون هر مسلمانی متدین و فرو تن جای دارد، این تجمع بزرگ تنها یک عبادت نیست که هر مسلمان باید ادایش کند بلکه همایش بزرگی است که مسلمانان از هر گوشه و کنار دنیا در آن حضور می یابند و براساس فرمودهٔ خدا



حج برای مسلمانان، یگانه راه تعارف وهمآهنگی و ازمیان برداشتن مرزهای زبانی، نژادی، طبقاتی وجغرافیایی است؛ چیزهایی که از مهم ترین موانع وحدت مسلمانان به حساب می رود.

"همه به رسن الهی چنگ زنید و از هم پراگنده نگردید..."، وحدت وهمبستگی خود را در نیکو ترین شکل به نمایش می گذارند.

از همین رو، می توان گفت کهٔ حج تنها وسیله یی برای برگزاری چنین همایش شکوه مندی محسوب می گردد و در خلال آن اخلاص انسان نسبت به پروردگارش به آزمایش گرفته می شود وتمام زنجیرهای خود پرستی، انانیت وخواهشات نفسانی از دست و پای آدمی شکسته می شود و انسان با تمام شاخصه های طبقاتی، نژادی و زبانی، خود را در همایش ایمانی بزرگی می بیند که در آن اهداف، اندیشه ها و آگاهی های همه، در یک جا ریشه دارد؛ و آن پرستش خدا و ابراز ارادت در برابر اوست، و آنگاه که انسان خود را درمیان انبوهی از مسلمانانی می بیند که از هر جا وهر گوشه یی به کعبه آمده اند، دیگر نوعی خود فراموشی برایش دست می دهد.

این نکته هم گفتنی است که خداوند از عبادت مخلوقات بی نیاز است، اما آن را به سود خود انسان مشروع گردانیده است تا راهکاری باشد برای تحقق اهداف انسانی و اجتماعی بشر و این امر در فریضهٔ حج به گونه یی روشن مورد تأکید قرار می گیرد، آیات و احادیث زیادی وجود دارد که از هداف اجتماعی گونه گون به عنوان فلسفهٔ مشروعیت حج، سخن می گوید، چنان که خداوند می فرماید: "تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند؛ و در ایام معینی نام خدا را ببرند..." یعنی مردمان در موسم حج باید به منافع و فواید دست یابند، وبی تردید بهترین منافع حج منافع اجتماعی و دینی آن است که در این همایش به ظهور می پیوندد و مسلمانان را به احساس همدردی وهمزیستی وامی دارد که ما از ده ها منافع این فریضهٔ الهی به چندتای آن اشاره می کنیم:

تعارف

حج برای مسلمانان، یگانه راه تعارف وهمآهنگی و ازمیان برداشتن مرزهای زبانی، نژادی، طبقاتی وجغرافیایی است؛ چیزهایی که از مهم ترین موانع وحدت مسلمانان به حساب می رود. حج میان مسلمانان پیوند دوستی ایجاد می کند و روابطی را که در اثر دوری مسافات زمانی و مکانی و نا همآهنگی فکری، در بین مردم ایجاد شده، نابود می سازد.

مصالح دنیایی

مصلحت، پیشرفت و سعادت مسلمانان بر این عبادت بزرگ که انسان را به مسیر درست استقامت می دهد بستگی دارد، برخی ها گمان می برند که دین سعادت و رفاه دنیا را دربر ندارد، در حالی که عکس موضوع درست است، و بی گمان فروگذاشت دین زمینه ساز عقب مانی است، وحج بهترین راه برای وحدت کلمه و تحقق مقاصد شریعت در راستای پیشرفت وخوشبختی بشر تلقی می گردد.

حج بهترین راه برای شناخت اهداف ومقاصدی است که دعوت اسلامی در خود دارد وپیامبر صلی الله علیه وسلم آن رادر قالب یک سلسله ارزش های متعالی مانند آزادی، برادری، یگانگی وشورا مطرح نمود، و پای بندی به این ارزش ها را، برنامه یی ثابت در راه پویایی امت تلقی کرد.

تکامل و همدردی

حج حس تکامل وتکافل وهمدردی میان مسلمانان را به هر رنگ، نژاد، وجهتی که بستگی دارند، زنده می کند، و مضمون واقعی تحول به سوی تکامل ویک رنگی و یگانگی را به نمایش می نشیند ومسلمانان را به حیث یک کل تجزیه ناپذیر می شناساند.

حج حس تکامل وتکافل وهمدردی میان مسلمانان را به هر رنگ، نژاد، وجهتی که بستگی دارند، زنده می کند، و مضمون واقعی تحول به سوی تکامل ویک رنگی و یگانگی را به نمایش می نشیند

عزت و سرفرازی

با ایجاد خودکفایی عزت، استقلال وسربلندی مسلمانان تحقق می یابد، و با تجارت آزاد، شهرهای مختلف اسلامی از لحاظ اقتصادی به رشد نایل می شود لذا حج بهترین راه برای خود کفایی اقتصادی وهمکاری بازرگانی در بین کشورهای اسلامی است.

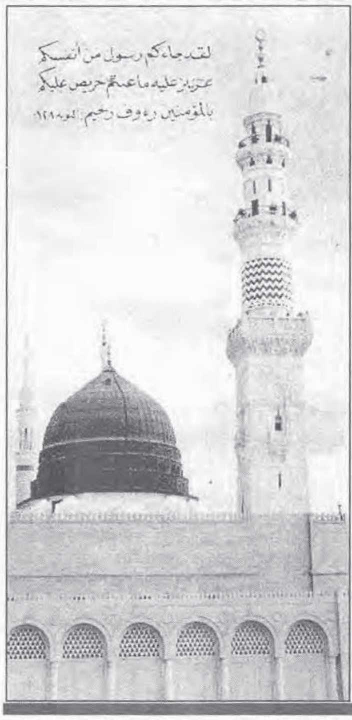
استحکام روابط و پخش آگاهی

یکی دیگر از منفعت های حج استحکام روابط و پخش بیداری درمیان مسلمانان است، ومسلمانان در موسم حج از حالات و اوضاع خوب و بدکشورها وملت های یکدیگر با خبر می شوند و از همین جا روح همکاری درمیان آنان دمیده می شود، وتمام حقایق و اموری که باید یک مسلمان به آن پای بست باشد و یا از آن بپرهیزد، برایشان روشن می گردد.

همایش بی نظیر

مناسک حج، درجاهای مختلف، مسلمانان را به تجمع وگردهمایی فرا می خواند. و این موضوع، می رساند که حج فقط به عنوان یک امر عبادی منظور نیست بلکه خوب ترین وسیله برای همایش مسلمانان وتحقق اهداف بلند اسلامی است.

حج، نوعی از انواع جهاد است که سعی عملی مسلمانان را به منظور حفظ کیان دین



وارزش های انسانی تمثیل می کند، ومسلمانان از هر جا ومتعلق به هر نژادی که هستند کوشش و فعالیت خود را به خاطر حفظ دین و وحدت و عزت خود در یک مسیر همآهنگ می سازند. چه کعبهٔ مقدس یگانه محوری است که مسلمانان سراسر جهان را با همه گونه گونی هایی که از نظر رنگ، نژاد و... دارند به خود متوجه می سازد، از این رو، تا زمانی که کعبه وجود دارد، دین هم پاینده خواهد بود.

در روزهای حج مسلمانان به موفقیت هایی در نتیجهٔ فراهم بودن زمانی ومکانی ویگانگی هدف دست می یابند که در غیر حج امکان پذیر نیست از جمله:

شرایط زمانی: بسیاری از کنفرانس ها وهمایش ها به علت عدم توافق برسر زمان برگزاری آن، ناکام بوده است اما حج یک اعلان رسمی است از جانب پروردگار که مسلمانان در ماه های حج به منظور ادای این شعایر عبادی وتمدنی باید گردهم بیایند، چنان که خداوند می فرماید: "ومردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده وسواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند. وشاهد منافع گوناگون خود باشند؛ و در ایام معینی خدا را یاد کنند...".

شرایط مکانی: بسیاری از انجمن ها و، گردهمایی های دیگر به سبب عدم توافق بر مکان برگزاری آن، به ناکامی مواجه شده است، ولیکن کعبهٔ شریف، قبلهٔ مسلمانان را تشکیل می دهد و قداست آن در دل های خورد وکلان امت اسلامی رسوخ دارد، وهرمسلمانی در زمان حج آرزوی دیدار آن را در سر می پرورد.

یگانگی هدف: چنان که می دانیم هیچ همایشی بدون اتفاق نظر اشتراک کنندگان آن مبنی بر تحقق یک هدف مشخص به نتیجهٔ مطلوب نمی رسد. و در حج چنین کار به صورت بدیهی تحقق پذیر است؛ چه در موسم حج، حجاج مسلمان خود را به معنای واقعی کلمه تسلیم آفریدگار خود می کنند و در دریای بیکران اسلام و آموزه های متعالی آن شناور می شوند و سرانجام برای برآوردن هدفی که قرآن جلو چشم شان ترسیم کرده است همدست می گردند.

شرایط روانی: بسیاری از مردم در زندگی عادی خود، تا زمانی که منافع شخصی و یا گروهی خود را درکاری نبینند، به آن مبادرت نمی ورزند. و این امر در گردهمایی ها وکنفرانس های منطقه یی وبین المللی نیز صادق می باشد!!. و از همین خاطر است که گاه گاه برخی از این گردهمایی ها در اثر خودخواهی ومنفعت جویی بعضی از شرکت کننده ها به نتیجه نمی رسد، اما در حج قضیه کاملاً برعکس است، زمانی که انسان لباس های زینتی خود را از تن بیرون می کند و احرام می بندد، به این معناست که او دیگر به انانیت، خودخواهی، گروه گرایی ومنفعت طلبی پشت کرده وخویشتن خود را در همایش بزرگ مسلمانان از هر لحاظ، به تحلیل برده است، و در همین جاست که بهترین شرایط روانی ایجاد می شود ومسلمان با استفاده از این وضع به خوبی می تواند خود را دست و پا بسته بندهٔ واقعی خدا بداند و به اوامر او با کمال خشوع وفروتنی وجدیت گوش فرا دهد.

به یقین که اگر ما اندکی در مفاهیم حج تأمل کنیم، درمی یابیم که هرگامی از گامهای حجاج، در واقع تطبیق عملی یک هدف بزرگ اسلامی می باشد، که در حج منظور شده است.

هفته نامه

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

• مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
• مطالب آمده مسترد نمی گردد.
• آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال ششم | شمارهٔ بیست و هفتم | شنبه ۲۷ عقرب ۱۳۸٦ | ٦ ذوالقعده ۱٤۲۸ - | 16 November 2007

گفتند و شنیدیم

ابوبکر سبزوار

رئیس جمهور باخبر شد!

رئیس جمهور کرزی در سمینار رؤسای انکشاف دهات کشور و شورای سراسری همبستگی ملی طی سخنانی نشان داد که آنقدر هم که مردم گمان می کنند، از جریانات مملکت بی خبر نیست. وی گفت مقامات دولتی و وکلای شورا به جای این که به فکر مردم باشند، به فکر منافع خود شان هستند. آنها به فکر جمع کردن پولند و در هرجایی که خانه یی لوکس و تعمیری گرانبهاست، یا به مقامات بلند پایهء دولتی تعلق دارد یا به وکیلان شورا !

رئیس جمهور این سخنان را بسیار دیر بر زبان آوردند در حالی که باید سالها قبل بیان می شد اما از آنجایی که جناب شان به کار های مهم تر در کشور توجه دارند، کمتر فرصت می یابند تا به مسائل کم اهمیت توجه کنند به همین دلیل کمی دیر به این مساله توجه فرمودند.

ایشان هر زمانی که کابینه تشکیل دادند، دستور صادر فرمودند تا وزرای محترم دارایی های خویش را ثبت دفتر کنند و پس از این که دورهء کار شان به پایان برسد، مجدداً دارایی های منقول و غیر منقول شان ارزیابی گردد. هدف از این کار چنین عنوان شد که از هرنوع سوء استفادهء این افراد از مقام دولتی جلوگیری به عمل آید.

مردمان خوش باوری چون من هم گمان کردیم که علی آباد شهری است و آنچه جناب رئیس جمهور می فرمایند، جدی است.

با ترمیمات محدودی که در طول شش سال گذشته در کابینه صورت گرفت، نه تنها دارایی های وزرایی که از کار برکنار یا تعویض منصب شدند، با فهرست دارایی های بعد از برکناری شان مقایسه نشد بلکه از آنان قدردانی هم صورت گرفت و حتی مدال (شجاعت) هم به آنان تفویض گردید و به این ترتیب به کسانی که جانشین وزرای سلف شدند چراغ سبز نشان داده شد که آقای رئیس جمهور در حرف های خویش جدی نیست. آنها هم می توانند با خیال راحت به خدمت مردم برسند!

آیا آقای رئیس جمهور تا حالا نمی دانست که در شیرپور کابل محله یی به نام کارتهء وزرا وجود دارد و در هر خانه صد ها هزار دلار به مصرف رسیده است؟

برای اطلاعات مزید جناب ایشان باید عرض کرد که مردم به آن دسته از مقامات دولتی که چنین پولهای باد آورده را در داخل کشور به مصرف می رسانند، دزدان وطن دوست می گویند اما دسته یی دیگر از این عالیجنابان هم وجود دارند که در داخل افغانستان نه خانه دارند و نه خانواده. این دسته از بزرگان در خانه های کرایی حیات به سرمی برند و خانواده های شان نیز در خارج زندگی می کنند. آنها بیشتر از دیگران به خدمت! مردم مشغولند و بیشتر از نعمت پولهای باد آورده برخوردار می شوند و ملیونها دلار پول را به خارج انتقال می دهند تا آیندهء خود و فرزندان خود را تضمین نموده باشند.

اما لازم نیست آقای رئیس جمهور از این مسأله نگران باشند. در عراق نیز وضع به همین منوال است و در آن کشور میلیارد ها دلار پول نفت مفقود شده و هیچکس هم نگران نیست، پس نگرانی آقای کرزی به خاطر چیست؟ **ادامه در ص۶**

هزینه گزاف جنگ عراق و افغانستان برای آمریکا

محاسباتی که توسط اعضای دموکرات کنگره آمریکا (در کمیته مشترک اقتصادی کنگره) صورت گرفته است نشان می دهد برای دولت آمریکا هزینه جنگ های عراق و افغانستان، تقریباً دو برابر رقمی بوده است که تاکنون برآورد شده بود.

طبق این بررسی که گزارش آن سه شنبه ۱۳ نوامبر در اختیار کنگره آمریکا قرار گرفته، هزینه این جنگ ها به خاطر مخارج پنهانی مانند افزایش بهای نفت و معالجه سربازان مجروح، معادل یک و نیم تریلیون(۱۵۰۰ میلیارددالار) است در حالی که قبلا ۸۰۴ میلیارد دلار محاسبه شده بود.

تهیه کنندگان گزارش، در محاسبه هزینه جنگ، بهره پولی را هم که دولت برای تامین مخارج جنگ قرض کرده منظور کرده اند.

طبق این گزارش جنگ های افغانستان و عراق به طور متوسط برای هر خانواده چهار نفری آمریکایی به قیمت۲۰ هزار دلار تمام شده است.

در گزارش مورد بحث پیش بینی شده که این هزینهٔ طی دههٔ آینده ممکن است به ۴۶ هزار و ۳۰۰ دلار برای هرخانواده، برسد.

کمیتهٔ دموکرات های کنگرهٔ آمریکا همچنین تخمین زده اندکه مداوای سربازانی که در جنگ مجروح شده اند ممکن است هزینه جنگ را بیش از ۳۰ میلیارد دلار افزایش دهد.

از جمله این هزینه ها پولی است که به سربازان معلول و نیز سربازانی که در اثر شرکت در جنگ آسیب روانی دیده اند پرداخت می شود.



به گزارش بی بی سی هدف دموکرات ها از تهیهٔ این گزارش، تشدید مخالفت آمریکایی ها با جنگ عراق است

ائتلاف بوتو و نواز شریف علیه مشرف ...

و هیچ گاه نظر خود را تغییر نداده است.

بوتو در حالی در پاکستان به سر می برد که از ورود نواز شریف بعد از بازگشت از تبعیدگاهش در ماه سپتامبر به پاکستان جلوگیری شد و او بار دیگر مجبور به بازگشت به عربستان سعودی گردید.

این در حالی است که در ماه اکتبر به بوتو اجازه ورود به پاکستان، بعد از بازگشت وی از تبعیدگاهش در لندن داده شد.

درخواست بوتو و واکنش نواز شریف به درخواست وی، درحالی روی داد که وی قبلا نیز از مجامع بین‌المللی درخواست کرده بود که از هر گونه حمایت از مشرف خودداری کنند.

طبق اظهارات یکی از سخنگویان بوتو وی برای مذاکره با دیگر رهبران احزاب مخالف اعلام آمادگی کرده است.

افغانستان چگونه وضع در پاکستان را تحت نظر دارد؟

راوی

از زمانی که پرویز مشرف در پاکستان با اعلام حالت فوق العاده قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد، تاکنون تحولاتی در این کشور رخ داده است که آینده را بیش تر در پردهء ابهام فرو برده است. مشرف با انحلال پارلمان، زمان انتخابات را تعیین کرد اما وی به این باور است که این انتخابات باید در حالی برگزار گردد که حالت فوق العاده کماکان برقرار است.

بسیاری از رهبران سیاسی یا به زندان رفته اند و یا در خانه های شان تحت نظرند. بی نظیر بوتو که از وی به عنوان بزرگترین مخالف سیاسی مشرف نام برده می شود، اعلام داشته است که انتخاباتی را که تحت سایهء حکومت نظامی برگزار گردد نخواهد پذیرفت.

اما مشکل بزرگ این است که رهبران سیاسی در پاکستان به همدیگر اعتماد ندارند. مشرف قبل از اعلام حالت فوق العاده دست به مانور هایی زد که هدفش بیشتر ساختن فاصله میان رهبران احزاب و هواداران آنان بود اما به تدریج به نظر می رسد که پیوند هایی هرچند ضعیف و تاکتیکی در حال شکل گرفتن است. هرقدر فشار بر احزاب سیاسی افزایش یابد، امکان به فراموشی سپرده شدن اختلافات بیشتر است.

خانم بوتو که در خانهٔ خویش تحت محاصرهء پلیس قرار داشت، در پیامی به هواداران خویش، آنها را به پایداری و مقاومت فرا خواند. از جانب دیگر پرویز مشرف نیز از کنار رفتن خویش از پست نظامی در آیندهء نزدیک خبر داد.

عجیب است که در کشوری که به خاطر اساسی ترین نیاز های خویش این همه به پاکستان متکی است و با این کشور روابط خوب نیز ندارد تا کنون به اهمیت وجود ذخایر استراتژیک حتی در حد اساسی ترین مواد مورد نیاز مردم نیز توجه نشده است. دلیل آن نیز واضح است؛ دولتمردان ما تصور کاملاً غلطی از اقتصاد بازار دارند و حتی نمی دانند که امریکا که خود مبلغ اقتصاد بازار آزاد است، دارای ذخایر استراتژیک است تا در شرایط غیر مترقبه از آن استفاده نماید

در خارج از پاکستان نیز عکس العمل هایی در برابر اقدامات مشرف دیده شد که حتی برای خود مشرف نیز غیر منتظره بود. کشور های عضو کامنولت به صراحت تهدید کردند که اگر مشرف در چند روز محدود به حکومت نظامی در پاکستان پایان ندهد، عضویت پاکستان در این سازمان به حالت تعلیق در خواهد آمد.

امریکا که در آغاز با این مسأله با نرمی برخورد کرده بود، به تدریج موقف غیر قابل انعطاف پذیر تری را در برابر مشرف اتخاذ کرد. این فشار ها به حدی بود که خود مشرف اعتراف نمود که حتی مسالهء استعفای خویش را نیز بررسی کرده بود.

به نظر می رسد که دنیای غرب در رابطه با پاکستان بر سر دو راهی قرار دارد. در حالی که نگرانی از گسترش دامنهء تندروی در پاکستان رهبران غرب را به سختی نگران ساخته است اما آنها باید میان مقابله با تندروی و خشونت از راه نظامی و یا مهار کردن ناامنی های روبه گسترش از راه دادن آزادی های دموکراتیک به مردم یکی را انتخاب کنند. از آنجایی که در طول هفت سال گذشته در تحت رهبری یک رهبر نظامی، خشونت و تندروی های مذهبی گسترش روزافزون داشته است، این ادعای بی نظیر بوتو و سایر رهبران سیاسی منطقی به نظر می رسد که برای مقابله با این وضع باید آزادی های سیاسی به پاکستان باز گردد.

دولت افغانستان اعلام نموده است که اوضاع پاکستان را از نزدیک تحت نظر دارد اما مشخص نیست که این تحت نظر داشتن به چه مفهوم است؟ افغانستان کشوری است که بیشترین نیاز های اولیه اش را از پاکستان تأمین می نماید و بنابراین هر تحول در پاکستان می تواند روی افغانستان تأثیر گذار باشد اما دولت افغانستان حتی توان پیشبینی ساده ترین تأثیر این تحولات را نیز ندارد.

دولت مشرف برای جلوگیری از پیوستن مردم به صف تظاهر کنندگان و تأمین امنیت، تدابیری را روی دست گرفت که از آن جمله متوقف ساختن حرکت موتر های باربری به مقصد تورخم در مرز افغانستان بود. **ادامه در ص۶**